

ادامه جنگ ایران و عراق بسود کیست؟

بافراسیدن ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۳ جنگ ایران و عراق وارد چهارمین سال خود میگردد و این امکان فراهمی آید که با مدت و تعمق بیشتری علل شروع جنگ، روند رشد آن و نتایج حاصله از رویدادها را مورد بررسی و ارزیابی عمده‌جانبه قرار دهیم. همه میدانیم که این جنگ چه ضایعات جبران‌ناپذیر و اسفباری را بوجود آورد است و ادامه آن به نفع هیچیک از دو کشور همسایه آسیائی نمیباشد. همچنین آگاه هستیم که هیئتهای صلح به دفعات متوالی به ایران و عراق سفر کرده و هر بار پیشنهاد آتش‌بس و پایان جنگ را نمودند ولی با وجود اینکه عراق نیروهای خود را به آن طرف مرز عقب راند و مدتهاست خواستار ترک خصامات و برقراری صلح میباشد، رژیم جمهوری اسلامی با الجلات و افسارگسیختگی خاصی بجنگ ادامه دارد و برخلاف تمام موازین و قوانین بین‌المللی با زیرپانتهادن اصول منعقد بین کشورهای عضو سازمان ملل متحد تصمیم دارد از طریق لشکرکشی و سرنگون ساختن دولت یک کشور دارای حق حاکمیت، انقلاب اسلامی خود را صادر کند. برآستی چرا رژیم جمهوری اسلامی بهیچوجه حاضر نیست به این جنگ خانمانسوز و ایران بر باد ده خاتمه دهد؟ اکنون که رژیم توانسته است توسط شعار "فتح کریلا" و "آزادی قدس" با برنامه ریزی دقیق و موشکافانه عراق را تحریک و وارد اربه فروختن آتش جنگ کند و سپس از این طریق و به این بهانه اغتشاشات گوناگون و تضادهای روبه رشدی را که در او ان جنگ با آن روبرو بود تحت الشعاع قرار دهد و به تحکیم ارکان متزلزل خویش بپردازد، پس چرا جنگ و خونریزی خاتمه نمی یابد؟ چرا رژیم مایل به برقراری صلح نیست؟

اهداف رژیم در ادامه جنگ!

پرسشی که میتوان مطرح کرد، اینست که هدف اصلی رژیم اسلامی در ادامه جنگ چیست؟ چرا رژیم در شرایط کنونی به یک صلح شرافتمندانه و عادلانه ای که خواست مردم مستمندی ایران و عراق و تمام کشورهای منطقه و اکثر قریب باتفاق کشورهای و ملت‌های صلح دوست جهان میباشد تن در نمیدهد؟

آیا رژیم جمهوری اسلامی یک دولت غیر وابسته و "مستقلی" است که میتواند بی اعتنا به جهان در جنگی که در آن تنها ابزارهای پیچیده، مخرب و پیشرفته خارجی بکاربرد میشود و هر ماه صد ها میلیون دلار صرف هزینه مستقیم آن میگردد، بیکه و تنها و بدون پشتگرمی و حمایت آشکار و پنهان برخی قدرتهای بزرگ به این جنگ طولانی و خطرناک ادامه دهد؟ براستی ادامه جنگ ایران و عراق بسود کیست؟ کدام کشورها و قدرتها خواهان خاتمه جنگ و کدامیک خواهان ادامه جنگ میباشند؟ و ابرقدرت آمریکا و شوروی چه نقشی را در این جنگ بعهده دارند؟

برای پاسخ دادن به پرسشهای فوق میبایست قبل از هر چیز به موضع گیریها و برخورد های نیروهای درونی رژیم توجه کرد و سپس باین بردن به سیاستهای مختلف مطرح شده در درون رژیم اسلامی، نگاهی هم به سیاستهای خارجی و ولتهای بزرگ در قبال مسئله جنگ بیافکنیم.

در طی سه سال گذشته هیئت حاکمه ایران در باره مسئله جنگ دارای دو موضع گیری مخالف و متمایز بوده است، بخشی از نیروها در درون رژیم اسلامی از همان ابتدا خواهان گسترش، رشد و ادامه آن بوده و سرسختانه برای مطرح کردن و قلمداد نمودن جنگ بعنوان مسئله اصلی کوشید و در این راه از تمام امکانات استفاد نمود. و بخشی دیگر از آغاز مخالفت خود را به طرق مختلف با ادامه جنگ ابراز داشته و خواهان پایان یافتن آن بوده است. برای روشن نمودن موضوع، توجه خوانندگان عزیز را به دو موضع گیری کاملاً مخالف و متضاد در این زمینه جلب میکنیم:

آقای مهدوی کنی در نماز جمعه بعد از دستگیری رهبران حزب تود میگوید:

"اولاً ما میخواهیم با ولتهای اسلامی دست دوستی و برابری دراز کنیم و هیچگاه با آنها در جنگ نباشیم... ما... هیچگاه جنگ و نزاعی نداشته ایم و الان هم من از این تریبون نماز جمعه بنام ملت ایران و روحانیت ایران عرض میکنم که، نه جنگ افروزیم، نه جنگ طلب. بلکه ما ملتی هستیم که صلح و خیر را شعار خود میدانیم... و الان من از این تریبون اعلام میکنم حتی کشور عراق که با ما در جنگ است، اگر مورد تجاوز دشمنان اسلام قرار بگیرد، باز هم آمادیم که برای آزادی عراق از دست دشمنان خارجی اقدام کنیم." (۱)

و آقای خامنه‌ای ۵ روز بعد از سخنرانی آقای مهدوی کنی میگوید:

"... اگر امروز شما مرد میدانید که هر کسی در رهبرشکلی میخواهد ایمان مرد را متزلزل کند و در دل آنها نسبت به مسئولین و دولت و جنگ تردید ایجاد کند، درصد خیانت و زمینه سازی تسلط بیگانان بر کشورش است و شما باید این اشخاص را در رهبر لیبسی هستند

بشناسید و رسوا کنید." (۲)

همانگونه که ملاحظه میشود بین این دو نیرو بر سر این دو موضع گیری مخالف و کاملاً متفاوت در قبال مسئله جنگ در گیریها وجد الهای پنهان و آشکار فراوان و گسترده ای در مجلس، نشریات و نمازهای روز جمعه و سایر ارگانهای رژیم رخ داد که نتیجه آن در سه سال گذشته موجب تغییرات مختلف و وسیعی بنفع نیروهای جنگ طلب گردید است. البته نیروهای جنگ طلب که خواهان گسترش و ادامه جنگ و ضد و انقلاب اسلامی می باشند، با برنامه های ظریف و دقیق چه از نظرتها جماید ثلوثیک، سیاسی و چه از نظر تبلیغات وسیع و همه جانبه با بهره برداری از تمام امکانات ممکنه و برخورد آریودن از حمایت اکثریت قریب باتفاق رهبران رژیم اسلامی توانسته است با کمال قدرت و ویراندیشی به جنگ رابعدنوان مسئله اصلی در جامعه ایران بکرسی بنشانند و بدین ترتیب نیروهای مخالف ادامه جنگ را آرام آرام بکلی خلع سلاح کرد و وادار به تسلیم و سازش نمایند.

حال اگر ما بپذیریم که یکی از هدهدهای اساسی و اصلی نیروهای جنگ طلب تحکیم بخشیدن ارکان رژیم جمهوری اسلامی بود و در این زمینه به موفقیتهای چشم گیری دست یافته است، این سوال مطرح میگردد که چرا رژیم را ادامه جنگ مصر و بیگیری است و میخواهد با سرسختی حیرت انگیزی جنگ را تا بغداد و لبنان گسترش دهد؟ بطوریکه آقای هاشمی رفسنجانی در خطبه های نماز جمعه میگوید:

”برای مومن هیچ چیز شیرین تر از جنگ با سر باز آمریکا نیست.“ (۳)

گیل داشتن سر بازان و پاسداران ایرانی بطلبان در کنار سر بازان سوری چه مفهوم را در بردارد؟ و یا اعزام ۱۰۰ هزار تن زائر به عربستان سعودی و ایجاد بلوا و آشوب و در حالت درامور داخلی کشورهای همجوار به چه منظور است؟ چرا رژیم در عین حال که از سیاست ”نه شرقی و نه غربی“ سخن میراند تمام هم خود را متوجه بغداد، لبنان و آزاد ساختن ”قدس نمود“ در حالیکه نسبت به مسئله افغانستان هیچ گونه اقدامی بد و رازشعار بر علیه ”کفار“ بعمل نمی آورد؟ بنا بر این باید نظر گرفتسن سیاستهای پیچید مبین المللی و نقش و ابر قدرت و تعدد مسازش و توافق آنان بر سر برخی از نقاط بسیار حساس و استراتژیک مانند ایران، خلیج فارس و خاور میانه، بد و ن هیچ شبهه ای میتوان به این نتیجه رسید که سیاستهای جنگ طلبانه رژیم جمهوری اسلامی هم نمیتواند جد از روابط پیچیده و پنهانی و نفوذ قدرتهای بزرگ باشد و ادامه جنگ از طرف رژیم ایران خواهی نخواهی میبایست در خدمت سیاستهای خاص و توسعه طلبانه یکی از د و ابر قدرت محسوب گردد. حال بگذر از آقای خامنه ای بگوید:

”هنوز هم مسئله جنگ در صد رسایل ملت ماقرار دارد. برای ما

سرکوب کردن متجاوزانی که اعتراف میکنند به صلاح و صرفه

د ولتهای غربی میجنگند یک پدید و وجهاد تمام عیار اسلامی

است.“ (۴)

البته این سخنان ممکن است برخی از ”روشنفکران“ راحت تاثیر قرار دهد ولی آزاد یخواهان

ایران میدانند که در پیس "جهاد تمام‌عیار اسلامی" برای "آزادی فلسطین و لبنان منافع و مطامع کد ام‌نیروها در سطح بین‌المللی مطرح است. لذا رژیم جمهوری اسلامی برخلاف تمام تبلیغات و سخن‌پراکنی‌ها نهنه‌ها نمیتواند بدون اتکا "و پشتیبانی همه‌جانبه‌برخی از قدرتهای بزرگ به‌حیات خود ادامه دهد، بلکه از درگیر شدن در یک جنگ طولانی و بسیار مخرب که در آن سلاحهای پیشرفته خارجی بکار گرفته میشود نیز عا جز خواهد بود. حال چگونه یک مشت عوام فریب بی‌وطن توانسته‌اند یک شبه یک رژیم "مستقل" و "مشرق و مغرب" که در جهان بی‌نظیر است را بوجود آورند، بی‌شک این امر از برکت "امدادهای غیبی" میتواند باشد و پس!!

نقش شوروی در ادامه جنگ ایران و عراق

مدتها پیش از آغاز جنگ تئوریسینهای پشت پرده و وزید رژیم متوجه بودند که برای رهایی از بن‌بست مشکلات پیچیده و روزافزون، میبایست ایران را درگیر جنگ خارجی کنند تا بتوانند بدین وسیله تمام مسایل خطرناکی را که رژیم با آن روبرو بود تحت الشعاع قرار دهند. آنان در اجرای این طرح زیرکانه تحریک و برانگیختن عراق با اعلام "صد و انقلاب اسلامی" توانستند عراق را وارد کنند که به ایران تجاوز کند. موضع‌گیریهای حزب توده و رهبران رژیم اسلامی چه قبل و چه بعد از جنگ موید صحت این ارزیابی میباشد. اکنون پس از سپری شدن سه سال ما شاهد هستیم که جنگ توانسته پایه‌های متزلزل رژیم اسلامی را مستحکم نماید. و اگر این جنگ بوقوع نمی‌پیوست امکان سقوط رژیم بسیار بود.

ولی سران حزب توده که در گذشته از جنگ و گسترش آن برای "سرنگون کردن دولت دستشانده امپریالیسم آمریکا" دفاع مینمودند و حتی برخی از جوانان گمراه و وابسته به حزب را فریب داد و آنان را تشویق به رفتن به جبهه‌ها میکردند، ناگهان ۱۸۰ درجه تغییر موضع داد و بیان میکنند: "امپریالیسم آمریکا میخواهد یک جنگ فرسایشی طولانی را به جمهوری اسلامی ایران تحمیل کند." (۵) و با اطمینان ابراز امیدارند که:

"جنگ خلیج فارس بسود عربستان سعودی، اسرائیل و آمریکا است." (۶)

و چند خط پایین‌تر، برخلاف گفته‌های ذکر شده خود بیان میکنند:

"و در این میان اگر صد اسقوط کند و اوضاع ناآرامی در عراق

بوجود آید، منافع اقتصادی غرب آسیب خواهد دید." (۷)

توجه سه نقل قول فوق از اهمیت خاصی برخوردار است. زیرا با بررسی مطالب فوق سه سوال

اساسی مطرح میگردد که بحاست "راه توده" با آنها جواب گوید:

۱- در حالی که جنگ ایران و عراق موجب عدوئیت خلیج فارس میگردد و دولت عربستان از

ادامه این جنگ نگران و دلواپس است و بارها درخواست ختم جنگ را نموده، پس چگونه- آنگونه که "راه توده" میگوید- ادامه جنگ میتواند بنفع عربستان سعودی باشد؟

۲- اگر همانگونه که "راه توده" ادعا میکند: سقوط صدام باعث ناثباتی در عراق شده و منافع غرب

آسیب خواهد دید، پس چگونه ادامه جنگ برای سرنگونی صدام میتواند به نفع غرب محسوب گردد؟

۳- "راه توده" میگوید: "امپریالیسم آمریکا میخواهد یک جنگ فرسایشی طولانی را به جمهوری

اسلامی ایران تحمیل کند" و در عین حال معتقد است که عربستان سعودی، مصر و عراق وابسته

و سرسپرد آمریکا میباشند، در این صورت چرا این کشورها تمایل دارند که جنگ خاتمه پذیرد و

آریاب" و "ولینعمت" آنان یعنی آمریکا خواهان ادامه جنگ فرسایشی طولانی است؟

از طرفی همه جهان میدانند که این تنها و تنها رژیم جمهوری اسلامی و برخی حامیان و قدرتهای

بزرگ خارجی است که منافع استراتژیک خود را در ادامه جنگ ایران و عراق میدانند.

حال آیا "راه توده" میتواند این سه سوال مطرح شده را بدون تزویر و با صداقت جواب گوید؟

ولی همه میدانیم که "راه توده" به بیماری مزمن ضد و نقیض گوئی مبتلاست و فکر میکند که مرد چشم بسته

حرفهایشان را خواهند پذیرفت و آنان میتوانند با پشتوانه ۴۲ سال "حقیقت گوئی" اکنون هر چه

میخواهند بگویند و سوار بر مرکب دروغ و ریا چهار نعل به پیش تازند. البته اکنون که بسیاری از رهبران

این حزب در زندانهای ایران بمذاحی از رژیم مشغولند، رسالت ایدئولوژیکی و تبلیغاتی آنان

را "راه توده" در پیش گرفته است.

"راه توده" پس از آنکه تمام جهان بی برد هاند این رژیم جمهوری اسلامی است که در ادامه

جنگ اصرار میورزد، با شعبده بازی و تردستی از نوع دیگر سعی در مغشوش کردن اذهان را دارد.

ولی اینبار برخلاف گذشته عراق و آمریکا را مسئول ادامه جنگ معرفی نمیکند، بلکه ابراز میدارند که این

خود رژیم جمهوری اسلامی است که میخواهد برای پایان دادن به جنگ اقدامی عاجل بعمل

آورد. بهتر است در این مورد مستقیماً کلام را به خودشان واگذار کنیم:

"حکومت بغداد هنوز هم در مجامع بین المللی برای پایان

دادن به جنگ اظهار آمادگی میکند ولی در حاکمیت جمهوری

اسلامی ایران و سرخوردگی یکی از آنها خائنانه و مفرضانه و

دیگری غلط و غیر مسئولانه است، نمیگذارند صحبتی از صلح

بمیان آید، نمایندگان کلان سرمایه داران و بزرگ زمین-

داران در حاکمیت خیلی زود بی بردند که تنها از طریق

طولانی تر کردن جنگ میتوانند جلوی انقلاب... و بگیرند." (۸)

باید از نویسندگان "راه توده" پرسید که نماینده و سرخوردگی یکی "خائنانه و مفرضانه" و یکی "غلط و

غیرمسئولانه" چه کسانی هستند و نمایندگان "کلان سرمایه داران" و "بزرگ زمینداران" در

حاکمیت کیستند که میخواهند جنگ را طولانی تر کنند؟ آیا "راه توده" آن کسانی را که سرسختانسه در ادامه جنگ میکوشند و در رژیم اسلامی مواضع اصلی و کاملاً غالب را در دست دارند، نمیشناسد؟ و آیا از نظر این آقایان هر نیروی که سرسخت تر در گسترش جنگ بکوشد "خائنانه تر" برخورد نمیکند؟ و اگر اینگونه است "راه توده" چرا زحمت معرفی کردن آنان را بخود هموارنمی سازد؟ ما برای راحت کردن آنها جنگ طلبان سرسخت رژیم جمهوری اسلامی را که "برخورد خائنانه" دارند، معرفی میکنیم. آنان عبارتند از:

- ۱- "رهبران انقلاب اسلامی" آیت الله هرج الله خمینی
- ۲- رئیس جمهور آقای خامنه ای
- ۳- نخست وزیر آقای موسوی
- ۴- اکثریت هیئت وزیران
- ۵- رئیس مجلس آقای هاشمی رفسنجانی
- ۶- اکثریت قریب باتفاق نمایندگان مجلس اسلامی
- ۷- صد هاتن از رهبران سپاه پاسداران و مقامات سرسپرد نیروهای نظامی
- ۸- کلیه اعضای ر ایره ایدئولوژیک ارتش جمهوری اسلامی
- ۹- امام جمعه های طرفدار ادامه جنگ
- ۱۰- دانشجویان پیرو خط امام و آقای موسوی خوئینی ها
- ۱۱- تئوریسین ها و ایدئولوگهای پشت پرده و مخفی که در تمام ارگانها رخنه و نفوذ کرده و بعنوان چشم و گوش رژیم مشغول بکارند.

۱۲- بسیاری دیگر از مقامات رژیم از جمله موسوی اردبیلی و...

آری اینان هستند خائنین اصلی و جنگ طلبان واقعی رژیم جمهوری اسلامی که "راه توده" نمیخواهد و نمیتواند اساسی شان را زکرت کند. زیرا "راه توده" بدلیل بسیار روشنی که همه میدانند، طبق دستورات دیکه شد هنوز دل در گرو افراد و نیروهای فوق در قبال "کلان سرمایه داران" و "بزرگ زمینداران" بسته است.

ولی حال بینیم این "کلان سرمایه داران" و "بزرگ مالکان" چه کسانی هستند که "راه توده" آنان را از عاملین اصلی طولانی کردن جنگ بشمار میآورد. برای حل معما به آقای ید اللہ سبحانی که از "لیبرالهای" سرشناس و یکی از سخنگویان بازاریان و سرمایه داران "مرتجع" میباشد رجوع میکنیم. آقای سبحانی نماینده مجلس اسلامی چندی پیش در مورد جنگ میگوید:

"در میان مشکلات موجود یکی از همه بالاتر و پراثرتر و حتی مانع و حاجبی برای انجام هر اصلاح دیگر میباشد، آن مسئله جنگ است."

واضافه میکند :

"پس چگونه ممکن است که تصمیم گیرندگان به جنگ خود را مصون از خطا و اشتباه دانسته و با تصوراتی، مشورت با صاحب نظران بی غرض را غیر ضروری بپندارند. و از همین جانگرانی مومنان و علاقمندان به وطن و جمهوری را نسبت به حسن ختام جنگ برانگیزند." (۹)

و همچنین سخنان آقای بازرگان و مهندس وی کنی (که در ابتدای مقاله به گفته ما ایشان اشاره شد) موضع گیری بسیاری دیگر از نیروهای که در درون رژیم کوشش میکنند بطرق مختلف و در مقابل رقبا ی جنگ طلب و حاکم از ادامه جنگ جلوگیری نمایند، نشانگر آنست که این نمایندگان "کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان" و "بازاریان مرتجع" همگی خواهان پایان جنگ میباشند. حال باید پرسید که چرا "راآتوده" روز را شب و سفید را سیاه جلوه میدهد و سعی میکند با موزیگری و سفسطه از هان مردم را در مورد جنگ مفشوش کرده و مخالفین ادامه جنگ را در درون رژیم جنگ طلب قلمداد کند؟ در حقیقت چه کاسه ای زیر نیم کاسه است؟ آیا ممکن است که "راآتوده" طبق سفارشات دیکته شد ههنگامیکه اکثر کشورهای غربی و کشورهای خاورمیانه خواهان آتش بس و خاتمه جنگ میباشند و مایلند صلح و ثبات در منطقه برقرار شود - تنها سوریه، لیبی، یمن جنوبی در این میان بطور علنی و شخصی از جنگ طلبی رژیم ایران بر علیه عراق حمایت میکنند - می خواهد و لینعمت خود را در سطح بین المللی صلح طلب و بی طرف جلوه دهد؟

در اینجا ما بایک سوال بسیار حساس رو برو میشویم که شاید خوانندگان عزیز بتوانند بدان جواب گویند: آیا اگر سوریه و لیبی و در تحلیل نهایی اتحاد جماهیر شوروی در این جنگ عملاً خواهان پایان جنگ باشند، براستی جنگ ایران و عراق خاتمه نمی پذیرد؟ آیا سوریه نمیتواند در حالی که رژیم اسلامی سعی میکند با فرسایشی نمودن جنگ، عراق را از نظر اقتصادی، سیاسی و نظامی بزانود آورد، با بازگشادن شیرهای لوله های نفت، عراق را از مهلکه نجات بخشد؟ ضد و نقیض گویی های "راآتوده" شاید بتواند برای مدتی کوتاه، چون ابری تیره واقعیتهای پنهان کند ولی با مرور زمان این ابرها بکناری خواهند رفت و حقایق عریانی کپوشانده شده معیان خواهند شد، حال بگذار آقایان نویسندگان "راآتوده" بر طبق روال پیشینیان بسه قلم فرسایی خود ادامه دهند.

ملت ایران خواهان پایان جنگ است

طی سه سال گذشته، جنگ ایران و عراق در صحنه های داخلی و بین المللی موجب صاف -

بندیهای نوینی گشته است. ولی بطور کلی این صف بندیها بر سر مسئله جنگ ایران و عراق بدو گروه مشخص تقسیم شده اند: گروه اول شامل آن کشورهایی است که منافع آنان در گرو ختم جنگ بود و صلح منطقه و بخصوص صلح و آرامش در خلیج فارس برای عبور نفت بعنوان شریان حیاتی برایشان مطرح میباشد و گروه دوم آن کشورها و نیروهائی هستند که منافعشان در ادامه جنگ فرسایشی و ایجاد آشوب و بلوادر منطقه و بخصوص فشردن گلوگاه غرب در ناحیه بحرانی و استراتژیک خلیج فارس و تنگه هرمز است. آیا مسئله باندازه کافی روشن نیست؟ آیا روشن نیست که رژیم جمهوری اسلامی در این صف بندی در کجا قرار دارد و به منافع استراتژیک کدامیک از قدرتهای بزرگ خدمت میکند؟ جنگ ایران و عراق در یکی از خطرناکترین مناطق جهان یعنی در کناره های خلیج فارس ایجاد شده و قسمت مهمی از نفت جهان صنعتی غرب از این ناحیه تامین میگردد و اگر بعللی ایسب جریان به خطر افتد، میتوان انتظار داشت که در مدت زمان کوتاهی چرخ عظیم صنایع و کارخانه های بزرگ غرب از حرکت باز ایستد و زندگی در بسیاری از کشورهای پیشرفته صنعتی مختل گردد. بدین ترتیب ادامه جنگ امکان درگیری مستقیم آمریکا و اتحاد شوروی و خطر جنگ هسته ای را افزایش داده و نه تنها صلح منطقه بلکه صلح جهانی و تمام بشریت را تهدید میکند. ولی عوامل دست نشانده رژیم اسلامی بدون اعتناء به سرنوشت ملت ایران و حفظ جان مردم منطقه، بدون اعتناء به خطر درگیریهای بزرگتر، بدون مسئولیت و پامال جراحی و تمام پیشنهادات صلح را رد نمود و حتی اخیرا تهدید کرد هاند که در صورت لزوم به بستن تنگه هرمز خواهند پرداخت. ولی واقعیتها نشان میدهد که با منفرد شدن رژیم جمهوری اسلامی در سطح بین المللی و بر ملا شدن توطئه هایش، عوامل او به تبلیغات هم آهنگ و وسیعی در جهت جلوه دادن حقانیت جنگ و طولانی نمودن آن پرداخته اند. ایسب نشان میدهد که رهبران رژیم اسلامی تا چه اندازه برای ثبات و بقای خود و همچنین بعنوان ابزار برای ایفای نقش توسعه طلبانه برخی قدرتهای بزرگ در طولانی کردن جنگ میکوشند.

ادامه جنگ ایران و عراق هرگز سود ملت ایران نیست! ملت ایران با تحمل خسارات مالی و جانی و شداید بسیار از ادامه این جنگ عبث به ستوه آمد و خواهان آتش بس فوری و صلح میباشد! تظاهرات اخیر در اقصی نقاط کشور و بخصوص در نواحی جنگ زد حاکم از این امر فوری و حیاتی است. حال بگذارد رژیم جمهوری اسلامی با اصرار در ادامه جنگ هر چه بیشتر منفرد و در ماند متراگرد. در نیست آن روزی که مردم صلح دوست و آزاد یخواه ایران بپاخیزند و این تغاله های بیگانه پسرست و بی فرهنگ را از خاک میهن بیرون برانند.

فرهاد ایرانی

۱۹۸۳ / ۹ / ۲۱

یادداشت

- | | | | |
|-----------------------|---------|-----------------------|-------|
| | ۶۲/۲/۱۷ | روزنامه جمهوری اسلامی | (۱) |
| | ۶۲/۲/۲۱ | - - | (۲) |
| از خطبه‌های نماز جمعه | ۶۲/۶/۱۹ | اطلاعات | (۳) |
| | ۶۲/۴/۱۲ | کیهان | (۴) |
| شماره ۲ | ۶۱/۵/۱۵ | نشریه "راست‌توده" | (۵) |
| - | همانجا | - - | (۶) |
| - | - | - - | (۷) |
| شماره ۵۵ | ۶۲/۵/۲۸ | - - | (۸) |
| | ۶۲/۳/۸ | روزنامه اطلاعات | (۹) |